

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۵

وصول مقاله: ۱۳۹۴/۳/۹

تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

صفحات: ۹۶ - ۸۵

تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر بر معیشت خانوار در سکونتگاه‌های روستایی مورد شناسی: شهرستان قصرقند

دکتر فرامرز بریمانی^۱، هادی راستی^۲، اسلام رئیسی^۳، مسعود محمدزاده^۴

چکیده

سرمایه‌های معیشتی (انسانی، فیزیکی، طبیعی، مالی، اجتماعی) در واقع تعیین‌کننده‌ی اساس زندگی مردم در سکونتگاه‌های انسانی بویژه در نواحی روستایی به شمار می‌آیند. این سرمایه‌ها در قالب رویکرد معیشتی می‌توانند به عنوان چارچوبی برای درک و تحلیل بهتر نقش مردم در امور توسعه‌ی نواحی روستایی به‌کار گرفته شوند. از این رو پژوهش حاضر ضمن ارزیابی سرمایه‌های معیشتی در نواحی روستایی شهرستان قصرقند، به تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن پرداخته است. در این راستا از مهمترین عوامل جغرافیایی مؤثر می‌توان عوامل مکانی - فضایی، جمعیتی و اقتصادی را نام برد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جامعه آماری کلیه ساکنان روستایی شهرستان قصرقند می‌باشند. تعداد نمونه ۳۲۹ سرپرست خانوار روستایی از ۲۳ روستای منتخب هستند. داده‌ها و اطلاعات از طریق پرسشنامه به روش تصادفی گردآوری شد و به وسیله روش‌های آماری در محیط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش متغیر مستقل عوامل جغرافیایی مؤثر و متغیر وابسته معیشت خانوار روستایی است. نتایج کلی پژوهش حاکی از سطح پایین معیشت در نواحی روستایی با ارزش میانگین ۲/۱۹ بوده و بیانگر ضعف در زیرساخت‌ها و سرمایه‌های معیشتی (به جز سرمایه اجتماعی) است. همچنین طبق نتایج به‌دست آمده عوامل مکانی - فضایی (شکل استقرار، موقعیت ارتباطی، نوع راه دسترسی، فاصله از مراکز نافذ) بر سطح معیشت روستاییان تأثیرگذار هستند. از میان عوامل جمعیتی، میزان جمعیت و بُعد خانوار هیچ ارتباطی با سطح معیشت روستایی ندارند؛ اما نسبت باسواد و نسبت مهاجرت طی ۷ سال گذشته (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲) به ترتیب رابطه مستقیم و معکوس معناداری را با سطح معیشت نشان می‌دهند. بین عوامل اقتصادی (متوسط درآمد، نرخ اشتغال و متوسط مالکیت‌ها) و سطح معیشت روستایی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. از میان کلیه عوامل جغرافیایی، عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۴۲۵ بیشترین و عوامل مکانی - فضایی با ضریب ۰/۱۴۲ - کمترین تأثیر بر سطح معیشت روستایی را نشان می‌دهند.

کلید واژگان: عوامل جغرافیایی، سرمایه‌های معیشتی، سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان قصرقند.

۱- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه مازندران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول)

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

۴- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

f.barimani@umz.ac.ir

rasti.hadi1392@gmail.com

islam.raesi@yahoo.com

bmohamadzade@yahoo.com

مقدمه

با گذشت بیش از شصت سال از عمر برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه روستایی در ایران هنوز ساکنان نواحی روستایی با مشکلات عمده و عدیده معیشتی دست به گریبان هستند. با وجود اینکه در دهه‌ها و بویژه سال‌های اخیر به برنامه‌ریزی و توسعه مشارکتی و مردمی تأکید شده؛ اما توفیق قابل قبولی در دستیابی به اهداف توسعه حاصل نگردیده است. شاید بتوان از دلایل اصلی این امر، به عدم استقبال و همکاری ساکنان محلی یا فقدان قدرت آنها برای اثرگذاری و نقش آفرینی در طرح‌های توسعه، اشاره نمود. بر مبنای رویکرد معیشتی، سرمایه‌های معیشتی روستایی (سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی، انسانی، مالی، اجتماعی) اساس توانمندی و قدرت دخالت روستاییان در سرنوشت فردی و اجتماعی‌شان را تشکیل می‌دهند؛ زیرا سرمایه‌های مذکور تعیین کننده و جهت دهنده ادراک، انتظارات و فعالیت‌های افراد و خانواده‌ها در روند زندگی در نواحی روستایی هستند.

رویکرد معیشت از دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک رویکردی جدید در زمینه توسعه روستایی با هدف کاهش و ریشه کنی فقر روستایی مطرح شده است (Carney, 1998) و بیشتر با کارهای رابرت چمبرز شناخته می‌شود (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱۶). به اعتقاد برخی صاحب‌نظران رویکرد معیشتی، راه تفکر مبتنی بر فقر و آسیب‌پذیری زندگی است و به فعالیت‌های توسعه کمک می‌کند که مردم محور (تمرکز روی اولویت‌های مردم فقیر)، پاسخگو و مشارکتی (گوش دادن و پاسخ به اولویت‌های معیشتی شناسایی شده از سوی خود مردم)، چند سطحی (کار در سطوح مختلف برای کاهش فقر)، هدایت شده (با کمک بخش‌های دولتی و خصوصی)، پویا (پاسخ انعطاف‌پذیر به مردم در شرایط گوناگون)، پایدار (ایجاد توازن اقتصادی، نهادی و پایداری اجتماعی و زیست محیطی) باشد (CHF, 2005, 9). رویکرد معیشتی می‌تواند به عنوان چارچوبی برای درک و تحلیل بهتر نقش مردم در امور توسعه نواحی روستایی به کار رود؛ زیرا این رویکرد در مورد

توسعه بر واقعیت‌های زندگی مردم تأکید دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱۷). رویکرد مزبور در بردارنده ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و دیگر جنبه‌هایی است که مستقیم و غیرمستقیم به دو صورت پیش‌بینی شدنی و پیش‌بینی نشدنی، بر رفاه مردم تأثیر می‌گذارد (مطیعی‌لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۴). از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بسترهای پیشبرد اهداف توسعه در نواحی روستایی، شناخت وضعیت معیشتی خانوارها، میزان دسترسی آنها به سرمایه‌های معیشتی و عوامل جغرافیایی مؤثر بر معیشت است؛ زیرا وضعیت نامطلوب معیشتی ممکن است با خلق انواع متعدد دغدغه‌ها در زندگی روزمره، به اشکال مختلف مانع ظهور انگیزه‌ها و اقدامات توسعه‌ای گردد.

همان طور که می‌دانیم سکونتگاه‌های روستایی به صورت‌های گوناگون برپا شده، شکل می‌گیرند و از نظر مکانی به نحوی متنوع توزیع می‌شوند، عوامل جغرافیایی متعددی بر تشکیل سکونتگاه‌های روستایی و معیشت ساکنان تأثیر می‌گذارند. عوامل مؤثر بر شکل‌پذیری مکان سکونتگاه‌های روستایی و معیشت ساکنان محلی را عوامل طبیعی (اشکال ناهمواری، نحوه دسترسی به منابع و خدمات) و عوامل محیط فرهنگی و اجتماعی (دسترسی به امکانات آموزشی، درمانی و ارتباطی، عوامل جمعیتی) و اقتصادی (درآمد، نرخ اشتغال، انواع مالکیت‌ها و غیره) تشکیل می‌دهند (سعیدی و حسینی، ۱۳۸۸، ۱۳۰). بر این اساس عوامل جغرافیایی مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از: عوامل مکانی - فضایی (شکل استقرار، موقعیت ارتباطی، نوع راه دسترسی، فاصله از مراکز نافذ خدماتی و شهری)، عوامل جمعیتی (نرخ رشد جمعیت، بُعد خانوار، نسبت باسوادی، نسبت مهاجرت) و عوامل اقتصادی (درآمد، نرخ اشتغال، مالکیت زمین کشاورزی و دام، مالکیت کالاهای بادوام، مالکیت ساختمان و املاک). از آنجا که عمدتاً روستاهای واقع در مناطق محروم کشورهای کمتر توسعه‌یافته با انواع چالش‌ها و مشکلاتی از قبیل ضعف منابع درآمدی، بیکاری، ضعف آموزشی و مهارتی، دسترسی ضعیف به زیرساخت‌های

۲- آیا بین عوامل جغرافیایی (مکانی- فضایی، جمعیتی و اقتصادی) و سطح معیشت در نواحی روستایی رابطه وجود دارد؟

الف) آیا بین عوامل مکانی- فضایی روستاها (شکل استقرار، موقعیت ارتباطی، نوع راه دسترسی، فاصله از مراکز نافذ) و سطح معیشت رابطه وجود دارد؟

ب) آیا بین عوامل جمعیتی روستاها (میزان جمعیت، بُعد خانوار، نسبت باسوادی، نسبت مهاجرت) و سطح معیشت رابطه وجود دارد؟

ج) آیا میان عوامل اقتصادی روستاها (متوسط درآمد، نرخ اشتغال و متوسط مالکیت‌ها) و سطح معیشت رابطه وجود دارد؟

نتایج این پژوهش می‌تواند با آگاه کردن سیاستگذاران و متولیان توسعه روستایی و به تبعیت از آن زمینه‌سازی و اقدام مؤثر در ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی روستایی به نحو قابل ملاحظه‌ای تأثیرگذار باشد و به متولیان توسعه روستایی جهت درک و تفسیر بهتر ساز و کارهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی دقیق‌تر کمک سازنده‌ای بکند و به عنوان مکانیسمی در برنامه‌ریزی روستایی شهرستان قصرقند مد نظر قرار گیرد.

مبانی نظری

معیشت به معنای زندگی و زنده بودن، توانایی‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی است که برای زندگی و زنده بودن مورد نیاز است (Chambers, 2005, 5). معنای دیگر معیشت، تفکر درباره دسترسی به دارایی‌ها و مدیریت برای حفظ آن است (Dearden & others, 2002, 6). رویکرد معیشتی از جمله رویکردهایی است که فقر را فراتر از ناکافی بودن درآمد می‌داند (Wedington, 2003, 5). چارچوب رویکرد معیشت پنج گروه‌دارایی‌های اصلی را به صورت زیر شامل می‌شود: الف) سرمایه فیزیکی (کالاهای سرمایه‌ای تولیدی، ساختمان‌ها، ابزار، جاده‌ها و...);

ب) سرمایه طبیعی (زمین، درختان، ذخایر ماهی و غیره);

رفاهی و ارتباطی و اطلاعات، ضعف سلامت و تغذیه و... مواجه هستند، دستیابی مطلوب به اهداف توسعه نیز با چالش جدی مواجه است، که به تبعیت از آن توسعه نواحی روستایی روند مناسبی نداشته و چه بسا در بسیاری موارد برنامه‌ها با شکست مواجه می‌شوند و هزینه‌های زیادی به هدر خواهد رفت. استان سیستان و بلوچستان به گواه بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در یک دهه اخیر، از نظر سایر شاخص‌های توسعه با چالش‌های اساسی مواجه بوده و اغلب محروم‌ترین یا جزو محروم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌آید. در این رابطه پژوهش‌های شیخ بیگلو، تقوایی و وارثی (۱۳۹۱)، قاسمی اردهایی (۱۳۸۷)، ضرابی و شیخ بیگلو (۱۳۹۰)، مولایی (۱۳۸۶)، زیاری (۱۳۷۹)، رضوانی (۱۳۸۱) و تحقیق طراز کار و زیبایی (۱۳۸۳) قابل ذکر هستند. نواحی روستایی استان با چالش‌های عمیق‌تر نسبت به مناطق شهری آن مواجه‌اند و روستاهای شهرستان قصرقند واقع در نیمه جنوبی این استان از جهات متعددی از جمله پایداری اقتصاد روستایی، ماندگاری جمعیت، دسترسی‌ها و غیره با چالش زیادی روبرو هستند. از این رو اقدام مناسب در دستیابی به توسعه مطلوب (توسعه مشارکتی و پایدار)، مستلزم شناخت و ارزیابی سرمایه‌های معیشتی روستایی و عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن است؛ زیرا تا زمانی که منابع و عوامل جهت دهنده و مؤثر بر توسعه روستایی شناخته نشوند و درجه اهمیت آنها تعیین نگردد، نمی‌توان اقدام مناسب و سازنده‌ای در راستای توسعه پایدار روستایی انجام داد؛ بنابراین، پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل جغرافیایی مؤثر بر سطح معیشت خانوار در نواحی روستایی شهرستان قصرقند، ابتدا به ارزیابی معیشت بر مبنای سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، مالی، فیزیکی و طبیعی اقدام نموده و سپس تأثیر عوامل مذکور را بررسی کرده است. از این رو سؤال‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱- سطح معیشت خانوارها در نواحی روستایی شهرستان قصرقند چگونه ارزیابی می‌شود؟

و مؤلفه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی و غیره را شناسایی کرده‌اند. در این میان به نظر برخی اندیشمندان، اعتماد تسهیل کننده و تسهیل‌گر مشارکت و تعاون و یا پایه‌ای احساسی برای مشارکت است (زتومکا، ۱۳۸۴، ۱۴ و ۷۷). به نظر «گائوتری» مشارکت اجتماعی؛ فرایند اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بُعدی و چند فرهنگی است و هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در تمامی مراحل توسعه است (Gaoteri, 1986, 37). انسجام اجتماعی بیانگر اتفاق و همدلی بین افراد و گروه‌ها جهت تعامل و ارتباط در امور مختلف جامعه است و یک معنای اخلاقی را با خود به همراه دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۳).

همان‌طور که مطرح شد سرمایه‌های معیشتی نقش محوری در رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم در سکونتگاه‌های انسانی از جمله سکونتگاه‌های روستایی دارند. میزان این سرمایه‌ها متأثر از عوامل متعددی است که عوامل جغرافیایی از جمله مهمترین عوامل در این رابطه هستند. از این رو، اعتقاد بر این است که جغرافیای روستایی ضمن شناخت پدیده‌های محیط طبیعی و اجتماعی، آثار و پیامدهای متعامل آنها را که موجب شکل‌گیری معیشت و چگونگی محیط‌های جغرافیایی می‌شود، مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده و زمینه‌های لازم را برای اجرای برنامه‌های توسعه فراهم می‌آورد (مهدوی، ۱۳۷۶: ۴). در این راستا شرایط محیط طبیعی که شامل موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی، منابع آب و خاک و غیره می‌شود، در ارتباط تنگاتنگی با فعالیت‌های انسانی و معیشت مردم در نواحی روستایی قرار دارند. در ایران غالباً عوامل مکانی و شرایط محیط ضمن آنکه در تعدد و پراکندگی مراکز زیستی مهم افتاده، اساس و شرایط اقتصادی و اجتماعی را نیز دامن زده است (شیعه، ۱۳۷۸: ۱۱). بر این اساس شکل و چهره زمین و بالأخص عامل ارتفاع در توزیع و شکل‌گیری روستاهای بسیار مؤثر است. اصولاً ارتفاعات خیلی بلند، جاذب جمعیت نیستند. به طور کلی در ارتفاعات خیلی بلند به علت وجود شیب،

ج) سرمایه انسانی (مردم، آموزش و بهداشت)؛
 د) سرمایه مالی (پول، پس‌اندازها، دسترسی به وام و قرض)؛
 ه) سرمایه اجتماعی (شبکه‌های خویشاوندی، انجمن‌ها) (Eliis, 2003, 5 و Allison & Ellis, 2001, 379).
 سرمایه‌های معیشتی در واقع تعیین کننده اساس زندگی مردم در سکونتگاه‌های انسانی به ویژه در نواحی روستایی به شمار می‌آیند. سرمایه فیزیکی عناصری همچون ماشین آلات، تجهیزات و مانند آن (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۴۹)، کالاهای سرمایه‌ای تولیدی، ساختمان‌ها، ابزار، جاده‌ها و ... را در بر می‌گیرد (Eliis, 2003, 5).
 سرمایه طبیعی منابع و عناصری همچون خاک، آب، معادن و دیگر منابع طبیعی (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۵۰) و به بیانی دیگر منابع و اراضی طبیعی امثال مالکیت زمین‌های کشاورزی، جنگل و مراتع، مالکیت آب و صنایع معدنی و غیره را شامل می‌شود. مایکل تودارو درباره نقش سرمایه انسانی در نظریه‌های رشد و توسعه چنین می‌گوید: احتمالاً اکثر اقتصاددانان در این امر توافق دارند که آنچه در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است نه سرمایه یا منابع مادی آن (همت‌جو و یآوری، ۱۳۸۱: ۳۱). برخی دیگر بر این باورند که سرمایه انسانی یک مفهوم اقتصادی است. ویژگی‌های کیفی انسان - اعم از آموزش، تخصص، مهارت، داشتن خلاقیت، دانش و نوآوری - عموماً نوعی سرمایه به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، سرمایه انسانی را می‌توان ارتقا و بهبود ظرفیت تولیدی افراد جامعه نامید (علوی‌راد و نصیری‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۱۳). سرمایه مالی به درآمد پول و همچنین دیگر منابع و دارایی‌های مالی گفته می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش در حقوق مالکیت تبلور می‌یابد؛ مثلاً پول و اشیای مادی که می‌توان برای تولید و خدمات به کار برد (Turner, 1998, 934). به عبارتی این نوع سرمایه مواردی همچون پول، پس‌اندازها و دسترسی به وام و قرض را شامل می‌شود (Eliis, 2003, 5). صاحب‌نظران در تحقیقات خود در رابطه با سرمایه اجتماعی شاخص‌ها

سرمایه‌های مالی و فیزیکی و به طور غیر مستقیم بر سایر سرمایه‌ها (انسانی، اجتماعی و ...) تأثیرگذار باشد.

روش‌شناسی

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی (تکمیل پرسشنامه) بدست آمده است، ابتدا با مرور مبانی نظری و مطالعات اولیه در محدوده پژوهش؛ شاخص‌های و متغیرهای تحقیق استخراج گردید (جدول ۱) و سپس به طراحی پرسشنامه اقدام شد. جامعه آماری تحقیق، کلیه خانوارهای ساکن در نواحی روستایی شهرستان قصرقند بوده که شامل ۱۰۷۵۸ خانوار (۴۷۱۶۴ نفر) مستقر در ۱۵۰ روستا است. در این میان ۲۳ روستای بالای ۲۰ خانوار با ۳۲۹ نفر سرپرست خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی بود و حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شد. روایی پرسشنامه با تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها و با نظر کارشناسان موضوع، بررسی و تأیید شد و پایایی آن نیز از طریق آلفای کراباخ در نرم افزار SPSS با ۳۸ نمونه و ضریب ۰/۸۷۵ مورد تأیید واقع گردید. به منظور تحلیل اطلاعات و داده‌های بدست آمده از روش‌های آماری (میانگین، آزمون t تک‌گروهی، آزمون‌های همبستگی) در نرم افزار SPSS استفاده شد.

عدم تشکیل خاک، مشکل بودن ارتباطات، کاهش فشار و کمی اکسیژن سکونت دشوار و نامطلوب است (استعلامی و قدیری معصوم، ۱۳۸۴: ۱۲۶)؛ اما روستاهای پایکوهی و دشتی به خاطر شرایط مطلوب‌تر از نظر شیب و خاک و دسترسی‌ها، جمعیت بیشتری در خود جای داده و فرصت‌های معیشتی بیشتری دارا هستند. به عبارتی شکل استقرار سکونتگاه‌های روستایی در زمینه توسعه کشاورزی، دامداری، دسترسی به خاک و منابع آب، ساخت و ساز و غیره ساکنان، تا حد زیادی تأثیرگذار است و سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مالی را متأثر می‌سازد. فاصله از مراکز نافذ خدماتی و موقعیت ارتباطی روستاها نیز در میزان دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و انواع خدمات ارتباطی و اطلاعاتی نقش داشته و از این طریق می‌تواند بر سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و مالی تأثیر بگذارد. با توجه به شرایط محیطی و مکانی؛ تأثیر رشد جمعیت، بعد خانوار، نسبت باسوادی و مهاجرت‌های روستا-شهری در کیفیت زندگی و معیشت خانوار نیز محسوس به نظر می‌رسد، به طوری که جمعیت و بعد خانوار بالا بر کاهش سرانه‌های خدماتی و نرخ سواد بالا بر آگاهی بیشتر و مشارکت فعال‌تر و مهاجرت‌ها نیز بر تخلیه روستاها از نیروهای مولد و کارآمد، مؤثر واقع می‌شوند. افزون بر این درآمد بیشتر، شغل مناسب‌تر و وضعیت خانوارها از نظر مالکیت زمین، مالکیت دام و املاک مختلف، می‌تواند به طور مستقیم بر بهبود

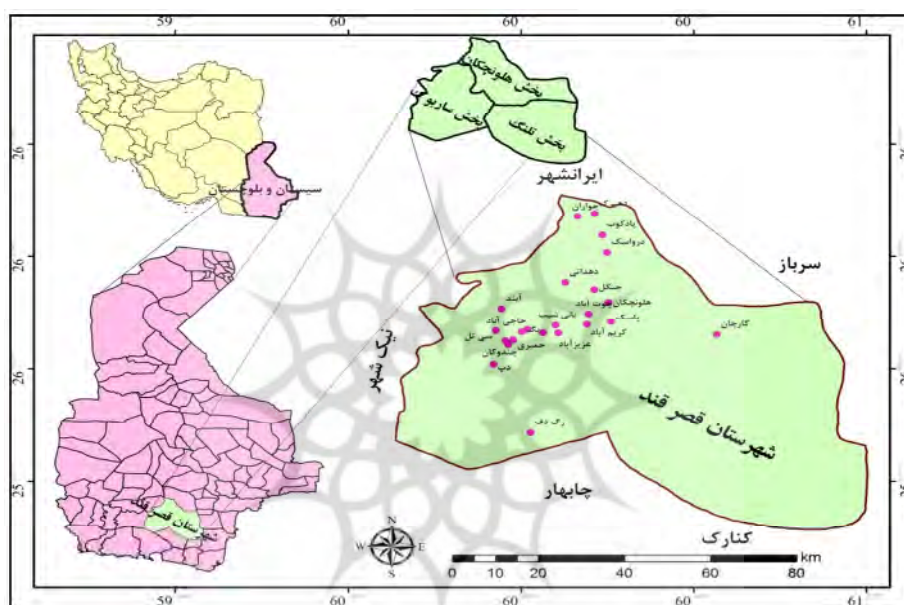
جدول ۱. شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش

نوع متغیر	شاخص‌ها	متغیرها
وابسته	سرمایه انسانی	مهارت خانوار، آموزش و تحصیلات خانوار، سلامت خانوار
	سرمایه فیزیکی	مسکن و تجهیزات مربوط به آن، ابزار و ماشین‌الات صنعتی و کشاورزی، ساختمان‌ها، وسایل خانگی، وسایل ارتباطی
	سرمایه مالی	پس‌انداز، دسترسی به وام و تسهیلات، برخورداری از انواع مختلف سهام
	سرمایه طبیعی	مالکیت زمین مسکونی، مالکیت زمین کشاورزی (زراعی و باغی)
	سرمایه اجتماعی	اعتماد، همبستگی اجتماعی، مشارکت
مستقل	عوامل مکانی-فضایی	شکل استقرار روستا، موقعیت ارتباطی روستا، فاصله از مرکز بخش، فاصله از مرکز شهرستان، فاصله از نزدیکترین شهر، نوع راه دسترسی
	عوامل جمعیتی	میزان جمعیت، بعد خانوار، نسبت باسوادی، نرخ مهاجرت
	عوامل اقتصادی	متوسط درآمد ماهیانه خانوار، نرخ اشتغال، متوسط مالکیت ساختمان‌ها و املاک، مالکیت کالاهای با دوام خانگی، مالکیت زمین کشاورزی و دام

شرق به شهرستان سرپاز، از شمال به شهرستان ایرانشهر، از سمت غرب به شهرستان نیک‌شهر و از جنوب به شهرستان‌های کنارک و چابهار منتهی می‌شود. شهرستان قصرقند دارای سه بخش مرکزی (هلونچکان)، ساربوک و تلنگ است که این پژوهش بر نواحی روستایی دو بخش ساربوک و مرکزی متمرکز شده است و روستاهای نمونه در این دو بخش واقع شده‌اند (شکل ۱).

محدوده مورد مطالعه

شهرستان قصرقند از نظر موقعیت جغرافیایی در عرض ۲۶ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی و طول ۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه شرقی قرار گرفته و دارای اقلیمی گرم و خشک است، به طوری که میانگین بارندگی سالانه آن ۱۷۲ میلی‌متر و متوسط دمای سالانه‌اش ۲۹ درجه سانتیگراد است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰). این شهرستان از شرق و شمال



شکل ۱. موقعیت شهرستان قصرقند و روستاهای مورد مطالعه

منبع: نگارندگان بر اساس لایه‌های رقومی پایگاه داده‌های علوم زمین کشور

طبق آمار جهاد کشاورزی ۷۸۲۱ هکتار زمین زیرکشت، ۱۱۰۰۰ شاغل در بخش کشاورزی و ۲۸۵۰۰ رأس دام وجود دارد.

یافته‌ها و بحث

از میان کلیه پاسخ‌دهندگان ۹/۴ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ سال، ۲۱/۳ درصد ۳۵ تا ۴۵ سال و ۳۲/۲ درصد بیشتر از ۴۵ سال سن دارند. به لحاظ جنسیت ۹۸/۸ درصد سرپرستان خانوار مرد و ۱/۲ درصد زن هستند. از نظر میزان تحصیلات ۴۱/۹ درصد بی‌سواد، ۳۰/۷ درصد زیر دیپلم، ۱۳/۶ درصد دیپلم و ۱۳/۸ درصد بالای دیپلم هستند. از لحاظ وضعیت شغلی نیز ۲۳/۱

روستاهای نمونه عبارتند از: بانی شیب، بُگ، رگ دپ، چَندوکان، حاجی آباد، حُمیری، دپ، آبنده، سی تل، عزیز آباد، لوریانی، هزاری، پادکوب، پاسک، جنگل، چوت آباد، خواران، درواسک، دهداتی، دهیرک، کارچان، کریم آباد، هلونچکان.

جمعیت روستایی این شهرستان طبق سرشماری ۱۳۹۰، تعداد ۱۰۷۵۸ خانوار و ۴۷۱۶۴ نفر است که در این میان، جمعیت روستایی بخش ساربوک و بخش مرکزی (هلونچکان) با تعداد ۸۰ روستای دارای سکنه، شامل ۶۷۹۴ خانوار و ۳۰۶۹۰ نفر است. طبق آمار خانه بهداشت روستایی در سال ۱۳۹۲، جمعیت روستاهای نمونه ۳۴۱۰ خانوار و ۱۵۵۶۰ نفر است. در نواحی روستایی شهرستان قصرقند در وضع موجود

گفته‌اند که فاقد دام هستند، ۷۲/۶ درصد تعداد کمتر ۲۰ رأس، ۲/۴ درصد ۲۰ تا ۵۰ رأس و ۰/۳ درصد بیشتر از ۵۰ رأس را بیان کردند.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش از آزمون t تک گروهی استفاده گردید. نتایج حاصل از این آزمون حاکی از تأیید معناداری معیشت (تفاوت سطح معیشت در روستاهای نمونه) در کلیه شاخص‌ها و به طور کلی ضعیف بودن وضعیت معیشتی خانوارهای روستایی است. به طوری که اختلاف میانگین و کران‌های بالا و پایین منفی بوده و میانگین کل معیشت کمتر از حد متوسط با ارزش میانگین (۲/۱۹) است (جدول ۲). در این میان شاخص سرمایه اجتماعی با ارزش میانگین (۳/۵۹) و شاخص سرمایه مالی با مقدار میانگین (۱/۴۸) به ترتیب بیشترین و کمترین میزان معیشت روستایی در محدوده مورد مطالعه را بیان می‌کنند.

درصد دارای مشاغل پیشه‌واری و خدماتی، ۱۱/۶ درصد کشاورزی و دامداری، ۲۴/۹ درصد کارگری، ۱۵/۲ درصد کارمند، ۱۴/۹ درصد شغل آزاد و ۱۰/۴ درصد بیکار هستند. از نظر میزان درآمد ۲۰/۷ درصد درآمدشان را بدون احتساب یارانه‌ها کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۴۸ درصد ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار، ۱۷/۳ درصد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار و ۱۴ درصد بیشتر از ۶۰۰ هزار تومان اظهار نمودند.

از لحاظ مالکیت مسکن همه سرپرستان خانوار گفته‌اند دارای مالکیت ملکی (شخصی) هستند؛ اما از نظر مالکیت کشاورزی ۴۷/۱ درصد گفته‌اند اصلاً زمین کشاورزی ندارند، ۴۰/۱ درصد مساحت کمتر از ۲۰۰۰ متر مربع، ۱۲/۵ درصد بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ مترمربع و ۰/۳ درصد بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ مترمربع را اظهار نمودند. همچنین به لحاظ مالکیت دام ۲۴/۶ درصد

جدول ۲. ارزیابی معیشت روستایی با استفاده از آزمون t تک گروهی

test value = 3							شاخص‌ها
سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف	سطح	درجه	مقدار t	میانگین	
کران بالا	کران پایین	میانگین	معناداری	آزادی		جامعه	
-۰/۴۹۲۳	-۰/۳۳۴۴	-۰/۴۱۳۴	۰/۰۰۰	۳۲۸	-۱۰/۳	۲/۵۹	سرمایه انسانی
-۱/۴۲۰	-۱/۲۷۲	-۱/۳۴۶	۰/۰۰۰	۳۲۸	-۳۵/۸	۱/۶۵	سرمایه فیزیکی
-۱/۴۵۴	-۱/۲۶۳	-۱/۳۵۹	۰/۰۰۰	۳۲۸	-۲۷/۹	۱/۶۴	سرمایه طبیعی
-۱/۶۰۸	-۱/۴۳۷	-۱/۵۲۳	۰/۰۰۰	۳۲۸	-۳۵/۰۱	۱/۴۸	سرمایه مالی
۰/۴۸۵۰	۰/۶۹۴۴	۰/۵۸۹۷	۰/۰۰۰	۳۲۸	۱۱/۰۸	۳/۵۹	سرمایه اجتماعی
-۰/۸۶۶۴	-۰/۷۵۴۳	-۰/۸۱۰۳	۰/۰۰۰	۳۲۸	-۲۸/۴	۲/۱۹	کل معیشت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

برخی خانوارها از زمین کشاورزی و دام، بهره‌وری پایین بخش کشاورزی، مهاجرت، نرخ بسیار پایین سواد، انزوای جغرافیایی (پراکندگی سکونتگاه‌ها، فاصله زیاد از مراکز نافذ خدماتی، کمبود بارش، بیابانی بودن و ...)، عدم وجود انجمن‌ها و شبکه‌های ارتباطی قوی و سازمان‌یافته و غیره در پایین بودن سطح معیشت روستایی نقش اساسی ایفا می‌کنند. توجه به این نکته مهم ضروری است: با وجود قابلیت‌های قابل ملاحظه بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان قصرقند مخصوصاً برای باغداری خرما و مرکبات، بازدهی این بخش بسیار پایین بوده و درصد بسیار کمی از اشتغال

با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی روستاهای مورد مطالعه در شهرستان قصرقند که نمودهایی از آن در یافته‌های توصیفی عنوان گردید، چنین استنباط می‌شود که عواملی از قبیل ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، فقدان دسترسی به فرصت‌های مناسب اقتصادی، ضعف زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی، ضعف قدرت خانوارها جهت سرمایه‌گذاری مطلوب در بخش آموزش و سلامت، عدم دسترسی مطلوب به منابع دانش و زیرساخت‌های فرهنگی و ارتباطی، فقدان حمایت‌های کافی مالی و اعتباری از طرف نهادهای دولتی، عدم برخورداری

از بین متغیرهای مذکور شکل استقرار روستاها (کوهپایه‌ای، دشتی، کوهستانی) رابطه مثبت و معناداری را با سطح معیشت نشان داد، به طوری که سطح معیشت روستاییان ساکن در روستاهای پایکوهی به طور نسبی مناسب‌تر و در روستاهای کوهستانی نامطلوب‌تر است. بین موقعیت ارتباطی روستاها (قرارگیری در مسیر بین راهی اصلی، بین راهی فرعی و بن بست) و سطح معیشت رابطه معکوس و معناداری مشاهده شد. بدین معنی که روستاهای مستقر در مسیر ارتباطی درجه یک (بین راهی اصلی) دارای سطح معیشت مطلوب‌تر و روستاهای استقرار یافته در مسیر ارتباطی درجه سه (بن بست) دارای سطح معیشت نامطلوب‌تر هستند. همچنین بین نوع راه دسترسی روستاها (آسفالت، شوسه، خاکی) و سطح معیشت خانوارها رابطه معکوس و معناداری مشاهده شد. اینکه روستاهای با راه آسفالتی از سطح معیشت بهتر و روستاهای با راه خاکی معیشت نامناسب‌تری را دارا هستند. افزون بر این نتایج آزمون همبستگی، ارتباط معکوس و معناداری را بین فاصله از مراکز نافذ (مرکز بخش، مرکز شهرستان و نزدیکترین شهر) نشان داد. بدین معنی که روستاهای دارای فاصله دورتر از این مراکز وضعیت معیشتی نامطلوب‌تر دارند و بالعکس.

و درآمد روستایی را به خود اختصاص داده است. سنتی بودن شیوه تولید و مهارت و سواد پایین بهره‌برداران از یک سو و فقدان توجه شایسته دولت به سرمایه‌گذاری و حمایت تولید در بخش کشاورزی منطقه از سوی دیگر از علل اصلی این مسأله به شمار می‌روند. از این رو بخش کشاورزی که از گذشته‌های دور تاکنون اساس معیشت روستایی را تشکیل می‌دهد، نتوانسته است تأثیر چشمگیری بر بهبود معیشت روستایی در محدوده مورد داشته باشد. این امر نیازمند بازنگری اساسی در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در بخش کشاورزی است. لازم به ذکر است، دلیل اینکه میزان سرمایه اجتماعی با ارزش میانگین (۳/۵۹) بالاتر از حد متوسط قرار گرفته است، وجود ارتباط چهره به چهره در روستاها، خویشاوندگرایی، تمایل به مشارکت در امور توسعه و به طور نسبی اعتماد بیشتر افراد روستایی به همدیگر است. از این رو می‌توان گفت سطح معیشت در نواحی روستایی شهرستان قصرقند از عوامل جغرافیایی متعددی متأثر است.

جهت بررسی تأثیر عوامل مکانی - فضایی روستاها (شکل استقرار، موقعیت ارتباطی، نوع راه دسترسی، فاصله از مراکز نافذ) بر سطح معیشت روستایی مورد مطالعه از آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان داد که همه متغیرهای مکانی - فضایی مورد بررسی بر سطح معیشت روستایی تأثیرگذار است (جدول ۳).

جدول ۳. نقش عوامل مکانی - فضایی در سطح معیشت روستایی به روش همبستگی

متغیرها	-----	معیشت روستایی	نوع همبستگی
شکل استقرار	ضریب همبستگی	۰/۱۵۹**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۴	
موقعیت ارتباطی	ضریب همبستگی	-۰/۱۱۲*	پیرسون
	معناداری	۰/۰۴۲	
نوع راه دسترسی	ضریب همبستگی	-۰/۲۶۱**	اسپیرمن
	معناداری	۰/۰۰۰	
فاصله از مراکز نافذ	ضریب همبستگی	-۰/۲۵۶**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

در ۷ سال اخیر) و سطح معیشت در نواحی روستایی مورد مطالعه، یافته‌های حاصل از همبستگی آماری

به منظور بررسی ارتباط میان عوامل جمعیتی (میزان جمعیت، بُعد خانوار، نسبت باسوادی و نسبت مهاجرت

دارای تحصیلات بالاتر در هدایت زندگی و دستیابی به فرصت‌های مناسب‌تر اقتصادی و نیز پایداری درآمدی و شغلی آنها (که معمولاً به مشاغل دولتی اشتغال داشته و درآمد پایداری دارند) اشاره کرد. رابطه معکوس مهاجرت و معیشت را نیز می‌توان به وجود بیکاری فزاینده، کمبود تنوع شغلی در روستاها، تخلیه روستاها از سرمایه نیروهای جوان و ماهر و نابرابری‌های بین روستا و شهر منتسب کرد.

نشان داد که میزان جمعیت و بُعد خانوار هیچ ارتباطی با سطح معیشت روستایی ندارند، اما نسبت باسوادی و نسبت مهاجرت طی ۷ سال گذشته (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲) به ترتیب رابطه مستقیم و معکوس معناداری را با سطح معیشت نشان می‌دهند (جدول ۴). بدین مفهوم که نواحی روستایی دارای نسبت باسوادی بیشتر و روستاهای دارای نسبت مهاجرت کمتر، وضعیت معیشتی مطلوب‌تری دارند. از دلایل تأثیر باسوادی بر معیشت می‌توان به آگاهی و توان بیشتر افراد باسواد و

جدول ۴. نقش عوامل جمعیتی در سطح معیشت روستایی به روش همبستگی

متغیرها	-----	معیشت روستایی	نوع همبستگی
میزان جمعیت	ضریب همبستگی	۰/۰۱۵	پیرسون
	معناداری	۰/۷۸۴	
بُعد خانوار	ضریب همبستگی	۰/۰۰۲	پیرسون
	معناداری	۰/۹۶۵	
نسبت باسوادی	ضریب همبستگی	۰/۳۳۱**	اسپیرمن
	معناداری	۰/۰۰۰	
نسبت مهاجرت	ضریب همبستگی	-۰/۱۷۸**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۱	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

این راستا اشتغال و درآمد به طور مستقیم بر قدرت خرید و تأمین سلامت و آموزش روستاییان مؤثر بوده و به تبعیت از آن سرمایه‌های فیزیکی، انسانی، اجتماعی و مالی بهبود پیدا می‌کنند. مالکیت‌ها نیز ضامن سلامت و رفاه آینده خانواده هستند و به همین دلیل هرچه میانگین آن بین خانوارها بالاتر باشد، آنها سطح معیشت خود را مطلوب‌تر ارزیابی می‌کنند.

علاوه بر این جهت تحلیل نقش عوامل اقتصادی (متوسط درآمد، نرخ اشتغال، متوسط مالکیت‌ها) در سطح معیشت روستایی، یافته‌ها نشان داد که بین عوامل اقتصادی و سطح معیشت ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (جدول ۵). بدین معنی که با افزایش میزان درآمد، بهبود نرخ اشتغال، بهبود وضع مالکیت؛ سطح معیشت روستایی بهبود یافته است. در

جدول ۵. نقش عوامل اقتصادی در سطح معیشت روستایی به روش همبستگی

متغیرها	-----	معیشت روستایی	نوع همبستگی
متوسط درآمد	ضریب همبستگی	۰/۳۱۹**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	
نرخ اشتغال	ضریب همبستگی	۰/۱۷۹**	اسپیرمن
	معناداری	۰/۰۰۱	
مالکیت کالاهای با دوام خانگی	ضریب همبستگی	۰/۶۳۹**	اسپیرمن
	معناداری	۰/۰۰۰	
مالکیت زمین کشاورزی و دام	ضریب همبستگی	۰/۱۳۹**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۶	
مالکیت ساختمان‌ها و املاک	ضریب همبستگی	۰/۴۰۳**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مهاجرت نیز در امر دسترسی به خدمات زیربنایی و کیفیت تأمین رفاه خانوار تأثیر بسزایی دارند که در این پژوهش در قالب دو شاخص نسبت باسوادی و نرخ مهاجرت با ضریب ۰/۲۲۵ بر معیشت خانوار تأثیر داشته‌اند که تأثیر آن از عوامل اقتصادی ضعیف‌تر است؛ زیرا شاخص‌هایی همچون نسبت باسوادی و نرخ مهاجرت هر چند تأثیر بالایی بر سطح معیشت می‌گذارند؛ اما این تأثیر به طور غیرمستقیم است. تأثیر عوامل مکانی - فضایی با ضریب ۰/۱۴۲ - کمتر از سایر عوامل و بیانگر رابطه معکوس با معیشت خانوار بود (جدول ۶).

به طور کلی جهت بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل جغرافیایی بر معیشت خانوارهای روستایی از طریق همبستگی پیرسون، مشاهده شد که «عوامل اقتصادی» با ضریب ۰/۴۲۵ بیشترین تأثیر و «عوامل مکانی - فضایی» با ضریب ۰/۱۴۲ - کمترین تأثیر را بر سطح معیشت روستایی داشته‌اند. می‌توان گفت به خاطر ارتباط مستقیم و تنگاتنگ عوامل اقتصادی با معیشت خانوار روستایی، تأثیر آن بیشتر است. این موضوع ناشی از پیوند حیاتی نیازهای ضروری مردم به اقتصاد (درآمد، اشتغال، مالکیت زمین و املاک و کالاهای بادوام) است. عوامل جمعیتی از قبیل نرخ رشد جمعیت، بُعد خانوار، نسبت باسوادی و نرخ

جدول ۶. تأثیر عوامل جغرافیایی بر سطح معیشت در نواحی روستایی

عوامل	---	معیشت خانوار	نوع همبستگی
مکانی - فضایی	ضریب همبستگی	۰/۱۴۲**	اسپیرمن
	معناداری	۰/۰۱۱	
جمعیتی	ضریب همبستگی	۰/۰۰۰	پیرسون
	معناداری	۰/۲۲۵**	
اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۴۲۵**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

جنوب استان سیستان و بلوچستان) انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که:

سطح معیشت در نواحی روستایی مورد مطالعه کمتر از حد متوسط با ارزش میانگین (۲/۱۹) است و بیانگر ضعف در زیرساخت‌ها و سرمایه‌های معیشتی است. عوامل مکانی - فضایی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سطح معیشت در نواحی روستایی مورد مطالعه دارند. به طوری که روستاهای کوهپایه‌ای، روستاهای استقرار یافته در بین راه‌های اصلی، روستاهای دارای فاصله کمتر از مراکز برتر خدماتی و روستاهای دارای راه دسترسی درجه یک (آسفالت)، وضعیت معیشتی مطلوب‌تر و روستاهای کوهستانی، بن بست، دور افتاده و دارای راه دسترسی درجه سه (خاکی)، سطح معیشتی نامناسب‌تری دارند.

این امر به خاطر آن است که متغیرهای شکل استقرار، موقعیت ارتباطی، نوع راه ارتباطی و فاصله از مراکز نافذ خدماتی به طور واسطه‌ای بر فعالیت‌های روستاییان تأثیر گذاشته و از این طریق آثار آن بر زندگی و معیشت مردم نمایان می‌شود. به عبارتی دیگر تأثیر متغیرهای مذکور بر سطح معیشت مستقیم نبوده و به اندازه عوامل اقتصادی و جمعیتی، بر معیشت مردم روستایی سنگینی نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت رویکرد معیشتی در اقدامات توسعه‌ای در سکونتگاه‌های انسانی بویژه در مناطق کم توسعه، این پژوهش با هدف ارزیابی سطح معیشت در نواحی روستایی و تبیین عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن در یکی از مناطق محروم کشور (شهرستان قصرقند در

مناسب، بازدهی پایین کشاورزی و دامداری، عدم توجه به متنوع سازی اقتصاد روستایی مانند صنایع روستایی و...) و حمایت ناچیز دولت از اقتصاد روستایی نامطلوب‌تر ارزیابی گردید؛ بنابراین، بهبود معیشت خانوار مستلزم شناخت بهترین و باصرفه‌ترین و در عین حال پایدارترین راه‌های ارتقای شاخص‌های اقتصاد روستایی از طریق منابع محلی، مشارکت مردم و حمایت هدفمند و متناسب دولت است.

سرمایه‌های طبیعی روستاها علاوه بر درآمد اقتصادی خانوارها از عوامل مختلفی چون عناصر اقلیمی (دما، بارش، منابع آب، تبخیر و...)، توپوگرافی (ارتفاع، شیب زمین و...) و غیره متأثر است. در این راستا توجه اساسی به تناسب نوع معیشت و ظرفیت منابع با حداکثر کارایی و بهره‌وری ضروری می‌نماید. سطح سرمایه فیزیکی در منطقه به دلیل ضعف منابع و فرصت‌های اقتصادی در دسترس در روستاها، پایین است. سرمایه انسانی نیز متأثر از دسترسی به زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی، آموزشی و بهداشتی-درمانی و غیره است؛ بنابراین، تسهیل دسترسی به زیرساخت‌های مذکور از ضرورت‌های اساسی در ارتقای سطح معیشت و دستیابی به توسعه پایدار روستایی است.

منابع

استعلاجی، علیرضا؛ قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۴). بررسی عوامل جغرافیایی در نظام استقرار سکونتگاه‌ها با تأکید بر تکنیک‌های کمی (پژوهش موردی: ناحیه ویلکیج از توابع شهرستان نمین)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۱۵۳-۱۲۱.

رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱). سنجش درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تحلیل تاکسونومی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴). اعتماد یک نظریه اجتماعی، ترجمه فاطمه گلای، انتشارات ستوده.

زیاری، کرامت الله (۱۳۷۹). سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۹۱-۱۰۴.

بین دو مورد از عوامل جمعیتی (نسبت باسوادی و نرخ مهاجرت) و سطح معیشت روستایی ارتباط معناداری وجود دارد؛ اما میزان جمعیت و بعد خانوار بر سطح معیشت تأثیرگذار نیستند. این نتیجه نمایانگر ضعف زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی و زیرساخت‌های اقتصادی در روستاهای شهرستان قصرقند است. از این رو بهبود زیرساخت‌های مذکور در جهت ارتقای سطح معیشت و کاهش مهاجرت‌های روستا-شهری بسیار ضروری می‌نماید.

عوامل اقتصادی (متوسط درآمد، نرخ اشتغال، متوسط مالکیت‌ها) دارای ارتباط مستقیم و معناداری با سطح معیشت روستایی است. در این رابطه نتایج بیانگر تأثیر چشمگیرتر متوسط مالکیت‌ها بر سطح معیشت است. این امر مستلزم فراهم نمودن زمینه‌های دستیابی به فرصت‌های مناسب شغلی و متنوع‌سازی فرصت‌های اقتصادی در بخش‌های کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن (به‌خصوص در زیر بخش باغداری) و غیر کشاورزی (بویژه در حوزه صنایع روستایی و تا حدودی در بخش گردشگری) در روستاهای مورد مطالعه، در جهت ارتقای سرمایه‌های معیشت روستایی گام‌های اساسی و سازنده‌ای برداشت.

از میان عوامل جغرافیایی؛ عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۴۲۵ بیشترین و عوامل مکانی-فضایی با ضریب ۰/۱۴۲- کمترین تأثیر را بر سطح معیشت خانوارهای روستایی نشان دادند. این امر از یک سو نشانگر ارتباط تنگاتنگ و حیاتی فاکتورهای اقتصاد روستایی با زندگی مردم و از سوی دیگر بیانگر تأثیر واسطه‌ای و غیرمستقیم فاکتورهای جغرافیایی از جمله توپوگرافی، پراکندگی و فاصله از منابع دانش و خدمات بر نوع معیشت روستاییان است.

به طور کلی سرمایه‌های معیشتی در روستاهای نمونه به استثنای سرمایه اجتماعی، پایین‌تر از حد متوسط و ضعیف ارزیابی شد. در این رابطه سرمایه انسانی به علت بهبود نسبی تحصیلات و امکانات آموزشی در سال‌های اخیر، مطلوب‌تر و سرمایه مالی به خاطر ضعف منابع درآمدی (فقدان دسترسی به فرصت‌های شغلی

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال ششم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۵

مهدوی، مسعود (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت، جلد اول، تهران.

مولایی، محمد (۱۳۸۶). مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۲۴۱-۲۵۸.

همت‌جو، علی؛ یوری، کاظم (۱۳۸۱). تخمین سطح و توزیع سرمایه انسانی خانوارها (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال اول، شماره پنجم و ششم، صص ۲۹-۵۲.

Allison E., & Ellis F, (2001). The livelihoods approach and management of small-scale fisheries, *Journal of Marine Policy*, No 25, University of East Anglia, Norwich NR4 7TJ, UK.

Carney, D, (1998). *Sustainable Rural Livelihoods: What Contribution Can We Make?* London: DFID.

Chambers, R, (2005). *Ideas for Development*, Earth Scan Publication, London, Sterling VA.

CHF, (2005). *Sustainable Livelihoods Approach Guidelines, Partners in Rural Development*, Chapel, Ottawa, Canada.

Dearden, P, Roland, R, Allison, G, Allen, C, (2002). *Sustainable Livelihood Approaches - From the Framework to the Field, Supporting Livelihoods - Evolving Institutions*, University of Bradford.

Ellis, F, (2003). *A Livelihood Approach to Migration and Poverty Reduction*, Papers Commissioned by the Development for International Development (DFID).

Gaoteri, H, (1986). *Popular Participation in Development, in Participation in Development*, Paris, VNESCO.

Turner, Jonathan. H, (1998). *The Emergence of Sociological Theory in Leonard Beeghtey Charles H. Powers ed.*, New York: wadsworth.

Wedington, C, (2003). *Livelihood Outcome of Migration for Poor People* Development Research Center on Migration, Globalization and Poverty, Working Papers T1.

سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۸۸). شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید، انتشارات شهیدی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.

سلمانی و همکاران (۱۳۹۰). نقش مهاجرت فصلی نیروی کار در معیشت خانوارهای روستایی (شهرستان سرو آباد استان کردستان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷، صص ۱۱۱-۱۲۷.

شارع پور، محمود (۱۳۸۳). مفهوم سازی، سنجش و دلالت‌های سیاستگذاری، ساری: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران.

شیخ بیگلر، رعنا؛ تقوایی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۱). تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۲۱۴-۱۸۹.

شبعه، اسماعیل (۱۳۷۸). با شهر و منطقه در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

ضرابی، اصغر؛ شیخ بیگلر، رعنا (۱۳۹۰). سطح‌بندی شاخص‌های توسعه سلامت استان‌های ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۰۷-۱۲۸.

طرازکار، محمدحسن؛ زیبایی منصور (۱۳۸۳). معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری (مطالعه موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان)، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۸، صص ۱۶۴-۱۳۷.

علوی‌راد، عباس؛ نصیری‌زاده، حمیدرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه سرمایه اسکان و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۶ (شماره ۳ و ۴).

قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱-۲۰.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.

مطیعی‌لنگرودی، سید حسن و همکاران (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق قلا)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، صص ۸۳-۶۷.